کورش صفوی درگذشت

کورش صفوی، زبان‌شناس و مترجم در ۶۷سالگی از دنیا رفت. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، کورش صفوی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در آلمان و اتریش به پایان برد و در سال ۱۳۵۰ به تهران بازگشت. او در رشته زبان و ادبیات آلمانی دانشگاه تهران پذیرفته و در سال ۱۳۵۴ موفق به اخذ لیسانس شد. صفوی در همان سال برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و پس از یک فصل تحصیل در رشته زبان‌شناسی و دو نیم‌سال تحصیل در ام.اِی.تی.، به ایران بازگشت. کورش صفوی در سال ۱۳۵۶ وارد دوره کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی دانشگاه تهران شد و توانست در سال ۱۳۵۸ ارشد خود را بگیرد. صفوی نزدیک ۱۰ سال پس از اخذ کارشناسی‌ارشد خود و هنگامی که دوره دکتری زبان‌شناسی دانشگاه تهران دوباره بازگشایی شد، وارد این دوره شد و در سال ۱۳۷۲ دکتری زبان‌شناسی خود را از این دانشگاه گرفت. این زبان‌شناس و مترجم که سال‌ها در دانشگاه علامه طباطبایی تدریس می‌کرد زاده ۶تیرماه ۱۳۳۵ در تهران بود.

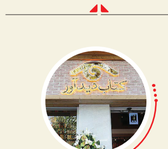

پلمب شدن کتابفروشی دیدآور

صفحه اینستاگرام کتابفروشی دیدآور واقع در تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران اعلام کرد، این کتاب‌فروشی به دلایلی تا اطلاع ثانوی پلمب شده است. اسدالله امرائی، مترجم شناخته‌شده و پیشکسوت ضمن بازنشر این خبر در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «اسباب خجالت و سرافکندگی ملی و بین‌المللی است که کتابفروشی را به‌جرم کتاب فروختن به مراجعین خانم‌بی‌حجاب پلمب می‌کنید. کتابفروشی دیدآور که امروز سومین سال تاسیس خود را آغاز می‌کند از قضای روزگار کتابفروشی تک‌جنسیتی است و حتی یک فروشنده زن هم ندارد.» دیدآور نیز در پستی اینستاگرامی با اشاره به سالروز تاسیس‌اش نوشت: «امکان پذیرایی از شما همراه همیشگی را به مناسبت سالگرد سه‌سالگی فروشگاه کتاب دیدآور نخواهیم داشت.» این کتابفروشی همچنین تاکید کرده که امکان ثبت سفارش ازطریق وب‌سایت این مجموعه همچنان امکان‌پذیر است.

تاثیر اعتصاب هالیوود بر «امی»

پخش تلویزیونی اهدای جوایز امی ۲۰۲۳ به‌طور رسمی به ژانویه ۲۰۲۴ موکول شد. مهر ضمن اعلام این خبر بیان کرد که هالیوود ریپورتر نوشت، به امید حل شدن دو اعتصاب بزرگ هالیوود، وقتی پخش زنده تلویزیونی مراسم «امی» روزانه از شبکه فاکس، هم مراسم ازپیش ضبط‌شده هنرهای خلاقانه «امی» تا ژانویه عقب افتاد. زمانی که این مراسم هر سال برگزار می‌شود، سپتامبر (شهریور) است اما آکادمی هنرهای تلویزیون آمریکا به امید اینکه حل‌وفصلی برای اعتصاب‌های انجمن‌های صنفی هالیوودی رقم بخورد این مراسم را تا ژانویه (دی‌ماه) عقب انداخت. پس از چندهفته مذاکره بین آکادمی تلویزیون و شبکه فاکس که پخش‌کننده تلویزیونی «امی» است، تاریخ جدید برای جوایز «امی» دوشنبه، ۱۵ ژانویه (۲۵دی‌ماه) ساعت ۸بعدازظهر انتخاب شد. در این‌زمان نزدیک ۵ماه از آخرین رأی‌گیری برای تعیین برندگان می‌گذرد.

میزگرد ادبیات

مباحثه امیرحسن چهل‌تن و امیر خداوردی درباره روحانیت و نویسندگی به بهانه کتاب «آفتاب گرفتگی»

نویسنده‌ای که دنیای خودش را می‌آفریند، خداست

مسعود شاه‌حسینی
روزنامه‌نگار

دست‌کم یک قرن است که روحانیون ایرانی با رمان، این جادوی سراسر غربی، آشنا شده‌اند و نظرات ضدونقیضی در حقش به زبان آورده‌اند، از انکار و حذف تا تحسین و همراهی. اما آنانی که ازرمان واهمه دارند، در آن چه دیده‌اند؟ آیا تقابلی بین رمان و مذهب می‌بینند؟ و آنان که ستایشش می‌کنند، چگونه از در آشتی با آن درآمده‌اند؟ آیا ظرف‌دار محدودشدنش بوده‌اند؟ آزادی رمان برای آنان چه طعمی دارد؟ «آفتاب گرفتگی» جستارهای نویسنده‌ای است که سال‌ها در قم درس خوانده و تجربه دست‌اولی از این کش‌وقوس‌ها دارد. امیر خداوردی با تکیه بر تجربه‌های فردی خود، سعی کرده دوررویی رمان و مذهب را در موقعیت‌های مختلف روایت کند، در آنها تأمل و با نگاهی موشکافانه نقدشان کند. امیرحسن چهل‌تن که خود رمان‌نویس چیره‌دستی است، چهارم تیرماه ۱۴۰۲ در شهر کتاب فرهنگان با امیر خداوردی درباره کتابش گفت‌وگو کرد و به نقد آن پرداخت. آنچه در زیر می‌خوانید متن خلاصه‌ای از همان نشست است.

امیرحسن چهل‌تن: ۸-۷ سال پیش بود که در مجله تجربه گزارش و مصاحباتی از سه مُعمم دیده که رمان نوشته‌اند. یکی از آنها امیر خداوردی بود. چندماه بعد من با عدهای از نویسندگان جوان، در سفری دوسه‌روزه، به قمصر کاشان رفتم. آنجا که رسیدیم یکی از آنها به من نزدیک شد، سلام کرد و خودش را معرفی کرد. دیده این همان امیر خداوردی است که آن گزارش و مصاحبه را خوانده و رفته بودم. رفتار دلنشین و شهری او که نشان از یک آدم امروزی داشت و همینطور سر و لباسش، باعث شد تصویری که ازطریق آن مصاحبه در ذهنم نقش بسته بود، مخدوش شود و از خودم بپرسم آیا من واقعا با یک روحانی روبه‌رو شده‌ام؟ امیر در فصل ششم کتاب «آفتاب گرفتگی» می‌گوید که چرا به حوزه علمیه رفته است. برای نویشتن داستان و چند دلیل دیگر. اما درباره دلایل دیگر ساکت باقی می‌ماند. ممکن است حالا به ما بگویید دلایل دیگرت چه بود؟

امیر خداوردی: دلایل متنوع بود، اما دلیلی که آن‌وقت‌ها برایم مهم بود را واوخر کتاب اشاره کردم. یک دوستی داشتم که وقتی ۲۰سالهٔ بودم، او ۴۰ سالهٔ بود و با هم صحبت می‌کردیم، او خیلی توصیه می‌کرد که باید حقوق بخوانی و با حوزوی‌شدن من مخالف بود. می‌گفت اگر بروی حوزه خیلی‌دور نو خواهد آمد و از آدم‌ها، مردم و جامعه فاصله خواهی گرفت. خاطرم‌هست اصرار داشت که حقوق بخوانم. من می‌گفتم اگر قرار است اتفاقی در این کشور بیفتد، باید به همان جایی توجه کنیم که این مسائل از آنجا شروع شده، یعنی باید با چیزی که این کشور را دگرگون کرده کاملاً آشنا باشیم و از همان نقطه دنبال تحول باشیم. این انگیزه یک مقدار جنبه سیاسی ـ اجتماعی داشت. اگر این‌جهت ربط مستقیمی به ادبیات نداشت و من آنجا این را عنوان نکردم، فکر می‌کردم برای اینکه متأخرتحول در این کشور باشید، باید خوب بدانید که در حوزه‌های علمیه چه خبر است، علوم‌وفنون حوزه را بلد باشید و به آن مسلط باشید.

چهل‌تن: البته خودت در جاهایی گفته‌ای به‌دلیل ظاهرت را طرفدرکت، چندبار تا مرحله اخراج از حوزه‌های علمیه پیش رفته‌ای. احساس می‌کنم دوراقع نوبک عامل نفوذی هستی و این فوق‌العاده خطرناک است. من یک خانم دوتابعیتی فرانسوی ـ ایرانی را که الان گرفتار است، سال‌هاست می‌شناسم. خواهرش همسایه ماست. او در رابطه با قتل‌های زنجیره‌ای مخبر لومودن را پیش من فرستاده که با من مصاحبه کرد و فهمیدم جامعه‌شناسی خوانده و با مؤسسات دانشگاهی در پاریس، کار می‌کند. بعدها کتاب‌ها یا کتاب‌هایی هم درباره ایران نوشت. چندسال‌پیش وقتی از خواهرش احوالش را پرسیدم به من گفت، او قم زندگی می‌کند و طلبه یکی از حوزه‌های علمیه دخترانه شده است. من همان‌موقع به خواهرش گفتم این‌کار فوق‌العاده خطرناک است. زیرا همه ما که در این جامعه زندگی می‌کنیم زنان مومنه‌ای را که سلوک دینی و سنتی دارند، به‌خوبی می‌شناسیم. حتی کسانی که به این‌کار تظاهر می‌کنند، قابل تشخیص هستند. این زن یک خانم مدرن شهری است که الان حدوداً باید همین من باشد. من می‌دانستم که او حتماً می‌خواسته مطالعاتی راجع به حوزه علمیه قم بکند و لابد کتابی بنویسد. بااخره بعد از ۲ سال کشف شد که این خانم نه به‌خاطر اعتقادات و حرف‌هایی ازاین‌دست که بنظر می‌رسد به‌خاطر واردشدن به حوزه علمیه قم، به آنجا رفته است. این خانم الان سخت گرفتار است. اما خوشحالم که تو عنوز گرفتار نشده‌ای و امیدوارم هرگز این اتفاق نیفتد. شاید هم آنها توارون خودشان جذب کرده‌اند.

خداوردی: تا اینجا که من متوجه شدم مسئله دیگری در بین است؛ از بچه‌ها و رفقایی که با هم بودیم، افرادی بودند که شاید خطر یا تلقوه‌شان خیلی کمتر از من بود، اما آنها را بردند و باز خواست کردند و بامن هنوز کاری نداشته‌اند. فکرمی‌کنم برای نهادهای امنیتی بسیار مهم است که تا جایی خصوصاً بیرون از کشور مرتبط هستید یا برای دل خودتان کار می‌کنید. در حالت دوم، کار چندانی ندارند. چون معمولاً صدایت هم به‌جایی نمی‌رسد، مثلاً دوتا کتاب هم چاپ می‌کنی.

چهل‌تن: می‌خواستم در مورد نام کتاب از تو سوال کنم. البته حدسی زده‌ام، اما می‌خواستم از خودت بپرسم که «آفتاب گرفتگی» از کجا آمده است؟ چرا آفتاب گرفتی؟ ما در این کتاب کسوف نداریم.

خداوردی: قضیه کسوف و آفتاب‌گرفتگی، استعاره‌ای است از وضعیتی که در آن سنت و مدرنیته با هم گلاویز می‌شوند. نه سنت کار خود را می‌تواند به‌شکل مرسوم و متعارف انجام دهد، نه مدرنیته؛ این مانع آن می‌شود و آن مانع این.

چهل‌تن: برخی گفته‌اند زمانی که فتنه شود، خورشید هم می‌گیرد، می‌خواهم ببینم این تقابل سنت و مدرنیته مگر یک فتنه است؟

خداوردی: فتنه‌به‌معنای لغوی فتنه نیست.

چهل‌تن: یعنی به‌معنای حوزوی؟

خداوردی: نه‌نیست. اما اگر بخواهیم به پیامدهای این درگیری رجوع کنیم، فتنه‌ای داده است؛ یک نزاعی است که اگر به تاریخ اروپا برگردیم، می‌بینیم که در آنجا زناعی کهن است که سم فرصت، قرن‌ها بـه آن رسیدند و از آن به هر ترتیبی عبور کردند، اما در دوران ما از مشروطه‌به‌بعد دیگر به‌شدت این ماجرا حوادث سهمگینی را فهرزده است. من اینجا با مسائل سیاسی کاری ندارم، اما در قضیه انقلاب دو طیف را داریم که از دو عموم مردم خواه‌ناخواه تأثیرگذار هستند. یک طیف نویسنده را در نظر بگیریم که الان منظورم نیست، شاید هم ۴۰ یا‌این‌طرف.

چهل‌تن: طیف دیگر روحانیت است که بـاز باید بگویی «الان منظورم‌نیست».

خداوردی: بله دقیقاً. اما درگیری اینها در ادبیات باعث شـد که ادبیات ما نتواند از دین استفاده و بهره‌برداری کند. آن‌طرف هم مبلغان دین نتوانسـتند خودشـان را با ادبیات به‌روز کنند. من می‌توانست با این نگاهی که ادبیات به او می‌دهد خودش را تطیف‌تر نمایش دهد. اگر بخواهیم از جهت تاریخ ادبیات این‌گاه کنیم، مسیحیت آنقدر مهربان نبود که الان هسـت بلکه با ارتباط با دنیای پیرامونش خودش را به‌روز کرد.

چهل‌تن: مخاطب کتاب چه کسی است؟ حس می‌کنم بیشتر همکاران خودت در حوزه هسـتند. من به‌عنوان یک داستان‌نویس و تقریبا همه رمان‌خوان، همگی می‌دانیم مرایای رمان چیست. از ایـن بابت کتاب تو هیچ‌چیز به دانش من اضافه نکرد. اما به نظرم می‌رسد، همکارانت در حوزه نمی‌دانند رمان چیست و چه خواصی دارد و تو برای روشن کردن آنها این کتاب را نوشته‌ای. این را هم اضافه کنم که شاید در برخی تقابل‌ها به این علت باشد که آنها دقیقاً نمی‌دانند کارکـرد رمان چیسـت و به‌همین‌خاطـر با آن مخالفـت می‌کنند. مخاطبت چه کسی بوده است؟ همه، عدهای‌با...

خـداوردی: قطعـاً بخشـی از مخاطبان مـن در ایـن کتاب‌ایـن‌اند که در حوزه‌های علمیه هستند یا نیسـتند اما در طیفی مذهبی قرار می‌گیرند که نسـبت به رمان نگاه مثبتی ندارند و آن را در شـکل‌گیری جهانی که در آن زندگی می‌کنیم تاثیر داشته است.

چهل‌تن: برخی گفته‌اند زمانی که فتنه شود، خورشید هم می‌گیرد، می‌خواهم ببینم این تقابل سنت و مدرنیته مگر یک فتنه است؟

خداوردی: فتنه‌به‌معنای لغوی فتنه‌نیست.

چهل‌تن: یعنی‌به‌معنای حوزوی؟

خداوردی: نه‌نیست. اما اگر بخواهیم به پیامدهای این درگیری رجوع کنیم، فتنه‌ای داده است؛ یک نزاعی است که اگر به تاریخ اروپا برگردیم، می‌بینیم که در آنجا زناعی کهن است که سم فرصت، قرن‌ها بـه آن رسیدند و از آن به هر ترتیبی عبور کردند، اما در دوران ما از مشروطه‌به‌بعد دیگر به‌شدت این ماجرا حوادث سهمگینی را فهرزده است. من اینجا با مسائل سیاسی کاری ندارم، اما در قضیه انقلاب دو طیف را داریم که از دو عموم مردم خواه‌ناخواه تأثیرگذار هستند. یک طیف نویسنده را در نظر بگیریم که الان منظورم نیست، شاید هم ۴۰ یا‌این‌طرف.

چهل‌تن: طیف دیگر روحانیت است که بـاز باید بگویی «الان منظورم‌نیست».

خـداوردی: بله دقیقـاً. اما درگیری اینها در ادبیات باعث شـد که ادبیات ما نتواند از دین اسـتفاده و بهره‌بـرداری کند. آن‌طرف هم مبلغان دین نتوانسـتند خودشـان را با ادبیات به‌روز کنند. من می‌توانست با این نگاهی که ادبیات به او می‌دهد خودش را ل